



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



ترامپ می‌تواند اسرائیل را از خودش نجات دهد

طرح جدید نتانیاهو برای اشغال غزه هیچ توجیه منطقی ندارد. بدون توجیه منطقی، هیچ راهی نمی‌ماند جز اینکه نتیجه‌گیری کنیم این تصمیم با محاسبات داخلی گرفته‌شده است. نتانیاهو می‌داند که دولت اقلیتش به حمایت احزاب راست افراطی وابسته است که از اشغال و ضمیمه‌سازی غزه و اخراج فلسطینیان دفاع می‌کنند. خروج آنها از دولت می‌تواند عامل انتخابات زودهنگام شود که ممکن است باعث شود نتانیاهو قدرت را از دست بدهد و مسیر برای تکمیل فرآیند رسیدگی قضایی به اتهام‌های او و محکومیتش هموار شود. او تاکنون با ماندن در قدرت توانسته است از این سرنوشت فرار کند. دورنمای زیادی برای جلوگیری از فاجعه‌ناشی از اجرای برنامه اشغال غزه وجود ندارد. می‌توان به انتخابات در اسرائیل امید بست، اما در فقدان آتش‌بس دورنمای ناچیزی برای سقوط دولت وجود دارد و تاریخ رسمی انتخابات بعدی اواخر سال ۲۰۲۶ است که تا زمان زیادی برای وارد کردن آسیب بسیار زیاد است. راه دیگر این است که حماس زیر فشار نظامی کوتاه بیاید و مطالبات اسرائیل برای آتش‌بس را بپذیرد. شواهد کمی وجود دارد که انشقاق در رهبری حماس در این مورد خواسته اسرائیل برای خلع سلاح کامل وجود داشته‌باشد و البته هیچ تضمینی هم وجود ندارد که اسرائیل «بله» را به عنوان جواب قبول کند و آمادگی داشته‌باشد که جنگ را تمام کند.

در این شرایط تنها امید این است که ایالات متحده دخالت کند. تا به امروز ترامپ فقط حماس را به خاطر بن‌بست سرزنش کرده و گفته است که مسئله اشغال غزه فقط «به اسرائیل مربوط است» و هیچ تمایلی نشان نداده است که به نتانیاهو فشار وارد کند که جنگ را در غزه تمام کند. او وقتی در ماه ژانویه وارد کاخ سفید شد، یک آتش‌بس به ارث برده بود، اما به اسرائیل چراغ سبز نشان داد تا این آتش‌بس را نقض کند و بعد از اسرائیل حمایت کرد که ورود غذا، آب و دارو را بیش از دو ماه به غزه مسدود کند که به شدت به وضعیت فاجعه‌بار بشری در این منطقه دامن زد. اما ترامپ به شکل ویژه‌ای توانمندی تغییر مسیر دارد. او باید بداند که این جنگ هر چقدر ادامه پیدا کند، بیش از پیش به جای آنکه جنگ جنگ بایدن، رئیس‌جمهور پیشین باشد، به جنگ او تبدیل خواهد شد. علاوه بر این روز به روز تعداد بیشتری از آمریکایی‌ها، از جمله پایگاه رای او در جریان «بارگشت عظمت آمریکا» به شکل روزافزونی در مقابل تأمین مالی و حمایت نظامی از اسرائیل مخالفت نشان می‌دهند. ترامپ در گذشته هم نشان داده است که وقتی پای منافع آمریکا وسط باشد، حاضر است از اسرائیل فاصله بگیرد. در مواردی مانند آتش‌بس با حوثی‌ها بدون در نظر گرفتن اسرائیل، معامله بر سر آزادی یک اسیر با حماس، برداشتن تحریم‌های سوریه یا وارد شدن به مذاکره با ایران، ترامپ توانست بر خلاف میل اسرائیل عمل کند. وقتی نتانیاهو می‌خواست بعد از حمله هوایی آمریکا در ماه ژوئن به بمباران ایران ادامه دهد، ترامپ علناً و با خشم از آنها خواست که این کار را متوقف کنند و اسرائیل هم با بی‌امیلی نظر او را اجرا کرد. ترامپ الان هم می‌تواند همین کار را بکند و یک پنهان معتبر به نتانیاهو بدهد تا عقب‌نشینی کند. به این ترتیب هر دو رهبر از یک افزایش تنش پرهزینه نجات پیدا می‌کنند و می‌تواند اسرائیل را از دولت خودش نجات دهد؛ بگذریم که این کار می‌تواند بسیاری از غیرنظامیان غزه را نیز از رنج و درد بیشتر نجات دهد.

منصفانه است که بگوییم تهدید راهبردی حماس نسبت به اسرائیل از زمان حملات ۷ اکتبر تاکنون از بین رفته است و در واقع این جو بایدن بود که خیلی قبل‌تر باید برای پایان جنگ فشار وارد می‌کرد. اما به هر حال روشن است که امروز حماس تهدیدی در مقابل اسرائیل نیست که مستحق چنین واکنشی باشد. برنامه نتانیاهو برای اشغال غزه را می‌توان با یک معامله ملغی کرد و البته به دلیل نیاز به فراخوان نیروهای جدید، همچنان ترامپ روزها و بلکه حتی هفته‌ها وقت دارد که اگر بخواهد، اقدام کند. اگر او با موفقیت چنین برنامه‌ای را عملی کند، ممکن است برنده جایزه صلح نوبل نشود، اما تصویر او را به عنوان یک صلح‌ساز بین‌المللی تقویت می‌کند و باعث می‌شود که از یک لنگ بر دوره ریاست‌جمهوری او اجتناب شود.

تکس: ir. President

نظرخواهی



زمان تصمیم بزرگ

چرا دیپلمات‌های با سابقه کشور خواستار بازنگری در مولفه‌های سیاست خارجی کشور در شرایط فعلی شدند؟

ماموریت جلوگیری از تکرار جنگ



قاسم محبعلی

مدیرکل پیشین خاورمیانه
وزارت امور خارجه

متن بیانیه‌ای که ۷۸ دیپلمات پیشین ایران امضا کرده‌اند، کاملاً روشن و واضح است و اشاره شده است که اگر اقدامات عاجل در خصوص اصلاح سیاست خارجی صورت نگیرد، تهدیدات جدی متوجه امنیت و منافع ملی ایران وجود دارد. در این بیانیه پیشنهاد شده است که با طرف‌های ذی‌ربط، مذاکرات آغاز شود. هر چند از طرف‌های ذی‌ربط در این بیانیه نام برده نشده است، اما کنایه‌ای روشن است. طرف‌های ذی‌ربط یعنی طرف‌هایی که ما با آنها دچار اختلاف هستیم. در بیانیه

بر اساس تفکر جمعی صلاح دیده‌نشده است که اسمی از طرف مقابل برده شود. مذاکره طبیعتاً برای حل اختلاف است و ما باید با طرف‌هایی که با آنها اختلاف داریم وارد مذاکره شویم. آنچه با دوستان و شرکا انجام می‌شود، مذاکره برای حل اختلاف و رفع تهدید نیست. آنچه در این بیانیه مورد تأکید قرار گرفته است جسارت برای ورود به مذاکرات برای حل اختلاف و رفع تهدید است. ما امروز با آمریکا و اروپا دچار اختلاف‌های جدی هستیم. ما باید به هر طریقی شده است از این بحران که بعد از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران تشدید شده است و احتمال بازگشت جنگ وجود دارد، از طریق دیپلماسی عبور کنیم و آرامش را به کشور بازگردانیم. دستگاه دیپلماسی در مرحله قبل موفق نشد جلوی جنگ را بگیرد. ماموریت دستگاه دیپلماسی و ماموریت دولت این بود که جلوی جنگ را بگیرد. الان ماموریت دستگاه دیپلماسی این است که اجازه ندهد مجدداً کشور وارد حالت

خرد جمعی پشتوانه جسارت



صباح زنگنه

نماینده پیشین ایران
در سازمان همکاری اسلامی

در مسائل سیاست خارجی و دیپلماسی همواره مسئله اساسی این است که چه ابزارها و گروه‌هایی برای تحقق اهداف دیپلماسی و دستیابی به منافع ملی وجود دارد. احصای این ابزارها و نیروها در هر شرایطی متفاوت است. کشور ما اکنون با مسائل متعددی در بُعد روابط خارجی و مسائل بین‌المللی مواجه است. تعدد مباحث

اقتضای کند که کشور از خرد جمعی و مشورت عقلانی بهره‌مند شود. اگر بخواهیم خرد جمعی را تعریف کنیم، می‌بینیم که موکل کردن همه مسائل جاری کشور به وزارت امور خارجه کاری طاقت‌فرسا است و دستگاه دیپلماسی نیازمند است که از خرد جمعی، صاحب‌نظران و پیشکسوتان بهره‌مند شود تا بتواند بهترین تصمیم‌ها را در مورد این مشکلات و بحران‌های متعدد بگیرد. وزارت امور خارجه نمی‌تواند در همه مسائل پاسخ همه جزئیات را به تنهایی بدهد و در عین حال به مصلحت نیست که در همه موارد سیاست خارجی وزارت امور خارجه را بدون پشتوانه جلوی کار قرار دهیم. وزارت امور خارجه باید بتواند پل‌های خودش را با جهان پیرامون حفظ کند. در مسائلی که حساسیت بیشتری دارد، نقش پیشکسوتان و صاحبان تجربه

تذکر علیه غفلت



مصطفی اعلائی

سفیر پیشین ایران در ونزوئلا

افرادی که بیانیه ۷۸ دیپلمات پیشین را صادر کرده‌اند، پیشکسوتان سیاست خارجی کشور هستند و هر یک بین ۳۰ تا ۴۰ سال در سیاست خارجی و دیپلماسی تجربه دارند. مجموع نظرات این جمع سرمایه‌ای برای وزارت امور خارجه و کشور است. این جمع هر جا که احساس کند دولت و حاکمیت از موضوعی غفلت کرده است یا ضعف نشان دهد، احساس وظیفه می‌کنند که این مسائل را یادآوری و گوشزد کنند.

هدف از اقدام جمعی دیپلمات‌های پیشین این است که کشور بیشترین منفعت را در سیاست خارجی کسب کند و کمترین آسیب را ببیند. مسائلی که در یکی دوسال گذشته رخ داده و به کشور آسیب‌هایی وارد کرده است، باعث شد تا دیپلمات‌های پیشکسوت احساس وظیفه و بیان کنند که در بخش‌هایی از سیاست خارجی کشور باید تجدیدنظر شود. طبیعی است که هر دولتی ممکن است در برخی موارد تحلیل و سیاست‌درستی داشته‌باشد و در برخی موارد تحلیل و سیاست غلطی داشته‌باشد. دیپلمات‌های کارگشته کشور بر اساس تجربه به این نتیجه رسیده‌اند که باید در برخی روش‌ها و سیاست‌ها تجدیدنظر شود. عنوان «جسارت» برای این تجدیدنظر انتخاب شد. دولت باید به این نتیجه برسد و از پشتوانه کافی برخوردار شود که به این جسارت برسد که این تجدیدنظرها را در سیاست خارجی انجام دهد. ما به این



شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی

جمعی از سفرا و دیپلمات پیشین کشورمان روز دوشنبه با صدور بیانیه‌ای خواستار «بازتعریف مؤلفه‌های سیاست خارجی با رویکردی واقع‌گرایانه، هوشمندانه و منفعت‌محور» شدند. در این بیانیه آمده است: «رویکرد فرصت‌محور و منفعت‌گرا در سیاست خارجی اقتضا می‌کند که از طریق گفت‌وگو و مذاکره با طرف‌های ذیربط خارجی از بازگشت و یا تشدید تحریم‌ها علیه کشور جلوگیری به عمل آید.» این بیانیه را ۷۸ دیپلمات با سابقه کشور امضا کرده‌اند و ۷ راهکار برای برون‌رفت از شرایط فعلی ارائه داده‌اند:

۱ نخستین گام، بازتعریف مؤلفه‌های سیاست خارجی با رویکردی واقع‌گرایانه، هوشمندانه و منفعت‌محور است که می‌تواند مسیر تحول را هموار سازد. تحول در رویکرد سیاست خارجی مستلزم تغییر نگاه به مفاهیم «قدرت»، «بازراندگی»، «نفوذ»، «امنیت» و «منفعت» است.

۲ درک عمیق از نقش قدرت‌متکثر در تولید اقتدار ملی، آگاهی از مولفه‌های بازدارندگی همه‌جانبه و تمرکز بر ائتلاف‌ها و قدرت‌های ائتلاف‌ساز بر اساس مولفه‌های موازنه قدرت و تهدید و نیز تأکید بر نقش منافع ملی و کاهش آسیب‌ها، جایگاه ایران را به عنوان شریکی قابل اعتماد در داخل و خارج ارتقا می‌بخشد.

۳ امنیت، گالای تک‌ساحتی و صرفاً سخت نیست. تجربه‌های موفق در امر حکمرانی نشانگر درکی عمیق از مفهوم رویکرد ترکیبی «امنیت» است که موجب تسهیل در تحقق اهداف سیاست خارجی و توانمندی‌های ملی و امنیتی برای رقابت سازنده در جهان پیچیده امروز است؛ فرصت‌ها زودگذرند و منافع سیال و تابع مجموعه‌ای از شرایط متغیر و متحول در داخل، منطقه و جهان است.

۴ رویکرد فرصت‌محور و منفعت‌گرا در سیاست خارجی اقتضا می‌کند که از طریق گفت‌وگو و مذاکره با طرف‌های ذی‌ربط خارجی از بازگشت و یا تشدید تحریم‌ها علیه کشور جلوگیری به عمل آید. هرگونه فرصت‌سوزی و تعلل در مواجهه با چنین امر مهمی می‌تواند به خسارات جبران‌ناپذیر و غیرقابل محاسبه‌ای برای ملت و کشور منجر شود که هیچ‌گونه توجیه و عذری برای آن قابل پذیرش نخواهد بود.

جنگی شود و تهدید علیه امنیت و منافع ملی تشدید شود. برای این کار لازم است که سیاست‌ها به‌روز شود، با سیاست‌های گذشته امکان حل و فصل اختلاف‌ها وجود ندارد. در شرایط جدید تکرار مواضع گذشته کارساز نیست و نهادهای ذی‌ربط با مواضع کشور را نوسازی کنند و از طریق مذاکرات مسائل را حل و فصل کنند. روشن است که منظور از مذاکره، مذاکره مستقیم با طرف ذی‌ربط است. مشخص شده است که استفاده از واسطه‌ها و میانجی‌ها کارایی لازم را برای عبور از بحران کنونی ندارد. کسانی که این بیانیه را امضا کرده‌اند، همگی دیپلمات‌های ارشد و سفرای سابق جمهوری اسلامی ایران هستند. همگی این افراد در سال‌های دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ جزو مدیران ارشد وزارت امور خارجه بوده‌اند. این افراد عموماً افرادی هستند که هم در انقلاب مشارکت داشته‌اند و هم در دوران جنگ کارگزار ارشد جمهوری اسلامی بوده‌اند. به این افراد نمی‌توان اتهام زد که قصد استحاله نظام را دارند. این افراد مجموعه‌ای ارزنده از تجربیات در روابط خارجی هستند که اظهارات‌شان مبنای کارشناسی دارد. فقط اصطلاح «حکم در موضوع» وجود دارد؛ معنایش این است که وقتی یک متخصص مانند پزشک، مهندس یا دیپلمات، حکم در موضوع می‌کند، باید حرف او پذیرفته شود. هر کسی در مقامی وقتی یک

بیش از پیش روشی می‌شود. صاحبان تجربه باید بتوانند دیدگاه‌های بررسی‌شده خودشان را بر مبنای تجربیاتی که دارند مطرح کنند. این اظهارنظرها و تبادل نظرها و تجربه‌ها باید در برابر جامعه قرار بگیرد تا افکار عمومی با راهکارهای مطرح‌شده از سوی صاحبان تجربه باخبر شوند و دولت بتواند با پشتوانه قوی‌تر منطق، تجربه و خرد جمعی در حوزه سیاست خارجی تصمیم‌سازی کند. در چنین شرایطی دولت می‌تواند با قدرت و اقتدار و بر اساس تعبیری که در بیانیه دیپلمات‌های پیشین به کار رفته است با جسارت بیشتر بتواند کار سیاست خارجی را پیش ببرد. در نقاطی که تعارض نظرات و اختلاف‌ها برای وزارت خارجه محدودیت ایجاد می‌کند، رجوع به خرد جمعی و تجربه انباشته پیشکسوتان می‌تواند راهگشا باشد. مشهور است که می‌گویند سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی است. اگر دولت بخواهد در سیاست خارجی خودش موفق باشد باید بتواند از پشتوانه مردمی، نه به معنای پوپولیستی بلکه به معنای بهره‌مندی از پذیرش منطق و استدلال، برخوردار باشد. اینجاست که صاحبان تجربه و خرد جمعی می‌توانند باعث شوند استدلال‌ها و

نتیجه رسیدیم که اگر این تجدیدنظرها صورت بگیرد، کمک می‌شود که آسیب‌ها به کشور کمتر شود و منافع کشور بیشتر تحصیل شود. تجدیدنظری که به آن اشاره می‌شود، بازبینی در مولفه‌های سیاست خارجی است. این بازبینی در مولفه‌های سیاست خارجی به هیچ وجه به معنای بازبینی در اصول کشور و مبانی قانون اساسی نیست. ما معتقدیم که باید در روش‌ها و سیاست‌ها تغییراتی را ایجاد کرد که منافع ایران را حفظ کند. ما دیپلمات‌ها دولت، مردم و کشور را از خودمان می‌دانیم و وظیفه خودمان می‌دانیم جایی که احساس می‌کنیم مسیر اشتباهی طی می‌شود، یادآوری کنیم که این مسیر اصلاح شود. شرایطی که سیاست خارجی کشور در آن گرفتار شده است، بن‌بست نیست و راه‌های برون‌رفت از آن وجود دارد. اما برون‌رفت از این شرایط نیازمند تصمیم‌های درست و جسارت‌آمیز است. یکی از خوانش‌ها جهت بهبود در عملکرد سیاست خارجی این است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بیش از پیش به منطقه تمدنی خود توجه کند. ضروری است که دستگاه سیاست خارجی کشور به جغرافیای فرهنگی ایران به خصوص در قفقاز و آسیای میانه توجه بیشتری داشته باشد. در منطقه قفقاز و آسیای میانه، مولفه‌ها